

سرمقاله

داعش یا طالبان؟

حفیظ الله زکی

امسال سال دشوار برای مردم و نیروهای امنیتی افغانستان است. از یک طرف این نخستین سالی است که نیروهای امنیتی بدون حمایت نیروهای خارجی، امنیت سراسری افغانستان را به عهده دارند و از سوی دیگر سیاست های منطقه ای در راستای نا امن سازی کشور همزمان با خروج نیروهای بین المللی از افغانستان تغییر کرده است.

باخروج نیروهای بین المللی، هراس افغانان با پشتیبانی از گروه طالبان سعی کردند ضمن این که ناامنی را در افغانستان تشدید نمایند، برای سقوط نظام سیاسی نیز تلاش نمایند. اشغال افغانستان و احیای امارت خود خوانده اسلامی در این کشور از اهداف مهم جنگ در دهسال گذشته به حساب می آید. طرح این استراتژی در زمانی صورت گرفت که از یک طرف نظامیان خارجی خاک افغانستان را ترک می کردند و از طرف دیگر انتخابات ریاست جمهوری برگزار می شد و مسأله تأثیرگذار دیگر این که کمک های خارجی در افغانستان کاهش پیدا می کرد و این پدیده سبب فقر و بیکاری و افزایش ناراضیانی مردم از دولت می گردید.

طالبان با این امید عملیات ها و فعالیت های شان را در افغانستان تشدید کرد، اما مقاومت نیروهای امنیتی در برابر هراس افغانان و حمایت های گسترده مردم از حکومت و نیروهای امنیتی، سبب شد که نه تنها مردم از دولت و نیروهای امنیتی فاصله نگیرند که بی باکانه در کنار دولت بایستند و برای دفاع از وطن اعلام آمادگی کنند.

باوجود نگرانی هایی که وجود داشت، نیروهای امنیتی کارنامه قابل قبولی در جبهه های جنگ نشان دادند و به همین خاطر امروز مردم افغانستان قردان این نیروها هستند.

فشار عملیات ها و کشتارها نه تنها باعث دوری مردم از حکومت نگردید که اتحاد، یکنگلی و همکاری میان افشار کونگاون مردم و نیز دولت و مردم را بیشتر کرد.

امروز مردم با امکانات شخصی اسلحه و امکانات خریداری می کنند و به جنگ طالبان و گروه های حامی آنها می روند. با عبور مردم از انتخابات و تشکیل حکومت وحدت ملی پاردرگ خواب و خیال طالبان و حامیان خارجی آنها باطل و ایده ای سرنگونی نظام به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل شد. ظهور گروه داعش در عراق و سوریه و پیشروی های سریع آنها در این دو کشور، خطر ظهور این گروه را در افغانستان نیز شدت بخشید.

مردم بر این باور بودند که با توجه به زمینه های اجتماعی و فرهنگی افغانستان و با توجه به نیت های مداخله جویانه برخی کشورهای خارجی، ممکن است دسته های افراطی زیر پرچم داعش و یا گروه های تندروی دیگر فعالیت های تخریبی شان را در افغانستان ادامه دهند.

وقتی این انگیزه ها با کمک های تسلیحاتی و مالی کشورهای خارجی همراه شود، می تواند به زودی تهدید جدید و جدی دیگری را برای حکومت و مردم افغانستان خلق کند. حدود شش ماه است که پروژه داعش در افغانستان به راه افتاده و تحرکاتی را در برخی از ولایات انجام داده است. علاوه بر داعش حلقه های دیگری نیز در پیوند با این گروه و با ناهای متفاوت آغاز به فعالیت کرده اند و اسباب آزار و اذیت مردم را فراهم نموده است.

برخی تحلیل ها این است که با ظهور داعش پروژه طالبان در عمل مخته ام اعلان می شود. این گروه ممکن است با اشاره خارجی ها به روند سیاسی صلح پیوسته و شامل حکومت گردند و مسؤولیت عملیات های خرابکارانه به عهده گروه های داعش و شبیه آن بیافتد.

آغاز مذاکرات صلح میان حکومت و نمایندگان طالبان در اسلام آباد نیز در همین راستا تحلیل می شد که با اعلام مرگ ملاعمر و بروز اختلافات نسبتا جدی در صفوف طالبان دور دوم این مذاکرات نیز به تعویق افتاد. اگرچه گروه طالبان حملات گسترده ای را در شمال کشور سازمان دادند؛

اما این حملات به عنوان آخرین تلاش و تقلای این گروه برای تبارز قدرت و کسب امتیازات بیشتر در مذاکرات صلح، عنوان می شود. بنابراین امروز نگرانی مردم بیشتر از گروه داعش است که احتمال پیوستن گروپ های نظامی طالبان به این گروه هر روز افزایش می یابد.

هرساله بیست و هشتم اسد بعنوان سالروز استرداد استقلال افغانستان از بریتانیای کبیر بعنوان یک روز ملی مورد توجه قرار گرفته و معافل تجلیل برگزار می گردد. هرچند در رابطه با سالروز دقیق استرداد استقلال کشور اما و اگرهای بسیاری وجود دارد؛ با این وجود شاید یکی از روزهای ملی است که بصورت اجماع کلی مورد تجلیل قرار می گیرد. روزی که در آن هر رژیم با هر ایده ای که قدرت را بدست گرفته است از بیست و هشت اسد بعنوان روز استقلال کشور تجلیل نموده است. واقعیت آنست که رهایی افغانستان از اشغال انگلیس و برسمیت شناختن استقلال سیاسی آن از سوی انگلیس دست آوردی است که مردم کشور با همه افشار در کمایی آن نقش بسزا داشته اند. در این میان نمی توان انکار وزید که امان الله خان به عنوان کسی بود که استقلال کشور را رقم زد، زیرا همه می دانند که شاه امان الله غازی به عنوان پادشاه پلیمانغ و مشروع کشور در آن زمان، نقش رهبری این روند را بعهدده داشته است. بنابه روایت های تاریخی افغانستان در سال ۱۹۱۹ استقلال خود را از برتانیا بدست آورد و بعنوان یک کشور مستقل برسمیت شناخته شد. از آن به بعد کشورهای دیگر نیز به تدریج استقلال سیاسی افغانستان را برسمیت شناختند. در این رابطه می توان گفت که افغانستان در میان کشورهای که بگونه ای تحت سیطره و اشغال بریتانیا بود نخستین کشوری بود که توانست استقلال خود را بدست آورد.

کشور ما تا چه اندازه توانسته در این نود و چند سال استقلال پیشرفت نماید؟ آیا این کشور قابلیت فراهم آوردن زندگی ساده را برای شهروندانش را داراست؟ آیا این کشور بدون کمک های خارجی قادر به اداره سیستم سیاسی، اقتصادی و مدنی خویش میباشد؟ البته وقتی کمک های خارجی بحث می شود فقط در سال های اخیر نیست؛ حتا در زمان حکومت های ظاهرشاه و داود نیز دست نیازمندی افغانستان بسوی کشورهای جهان دراز بود؛ این در حالی است که در قرون معاصر استقلال یک کشور و مستقل بودن آن در

خودکفایی و اهمیت سیاسی و اقتصادی آن در سیستم بین المللی سنجیده می شود و کشوری خود کفایت و مستقل شمرده می شود که بتواند برای شهروندانش نیازهای اساسی و ابتدایی را مثل آب سالم، برق، محل سکونت و امکانات صحتی، تحصیلی و شغل را فراهم آورد.

اگر موضوع را بصورت ژرف تر مورد مذاقه قرار دهیم باید گفت در اندیشه سیاسی عناصر تشکیل دهنده هر دولت را حداقل چهار چیز می دانند: حکومت، حاکمیت، سرزمین و جمعیت. هرکدام این اجزا و عناصر مباحث تحصیلی و تشریحی دارد که شاید مجال شرحش در این نوشتار نباشد. اما بصورت کوتاه می توان اشاره کرد که موضوع حکومت نیز بر دو مولفه و رکن اساسی آزادی و استقلال استوار است. مقوله آزادی در حوزه داخلی هر کشوری مطرح بوده که مدیریت کلان و برنامه ریزی و اجرای قوانین آن به دور از دخالت افراد و نهادهای داخلی انجام گیرد و در تطبیق و فرایندی انجام اقدامات سیاسی، دولت از مداخله و سسنگ اندازی های درونی آزادی و رهایی داشته باشد. دست دولت و حاکمان سیاسی در امور اجرایی، تقنینی و قضایی کشور باز و تصمیم گیری ها توسط آنان انجام گیرد.

عناصر دوم؛ حاکمیت؛ استقلال، استقلال یک دولت در حوزه و عرصه خارجی می توان نام برد. یک دولت در صورتی از استقلال و عدم سلطه برخوردار به نظر می رسد که در روابط و مناسبات سیاسی خود واجد خوداتکایی و خودباوری و خود تصمیم گیری باشد، تحت سلطه و استیلای هیچ کشور خارجی قرار نداشته باشد، بیرون از مرزهای جغرافیایی و ژئوپلیتیکش به عنوان کانون تصمیم گیرنده و برنامه ریز آن شناخته نشود. کشورهایی سلطه و استیلای خود را در حوزه سیاستگذاری های داخلی و خارجی آن مداخله ننمایند. بلکه دارای اعتماد به نفس و خودباوری و خوداتکایی باشد.

بنابروایت های تاریخی یک قرن پیش، محور و کانون تصمیم گیرنده بسیاری از کشورهای جهان از جمله افغانستان بریتانیای کبیر بود. بریتانیای که بر بیش

# استقلال، از واقعیت تا آرزو!

عبدالله هروی

از دو سوم کره زمین سلطه گسترانیده بود و به قول یکی از حاکمانش: خورشید در قلمرو ما هرگز غروب نمی کند. کشور بریتانیای آن روز نیز بر تمامی قدرات کشورهای مستعمره مسلط بود. در این میان افغانستان نیز ابزار دست و کارت برنده به دست بریتانیا در معاملات و



از دو سوم کره زمین سلطه گسترانیده بود و به قول یکی از حاکمانش: خورشید در قلمرو ما هرگز غروب نمی کند. کشور بریتانیای آن روز نیز بر تمامی قدرات کشورهای مستعمره مسلط بود. در این میان بر اثر خودآگاهی و روحیه خودباوری مردم افغانستان به رهبری امان الله خان قیام توفنده ای در گرفت. در طی سه جنگ فراگیر و عسده ای یک رخ داد و رشادت های وطنداران میهن دوست اشغال گران و دشمنان دیرینه را با قدرت تمام شکست دادند. طومار استعماری بریتانیا برای همیشه تاریخ از صحنه سیاسی کشور درهم پیچید و درفش استقلال و عزت و سررندلی بر فراز قلعه های سر بلند فلک کشیده کشور به اهتزاز در آمد.

معادلات سیاسی منطقه ای و بین المللی قرار داشت. حاکمان پس از راه سیاسی کشور به عنوان دلقک در دستان مشاوران و مستشاران سیاسی و نظامی بریتانیا می چرخیدند. اما در این میان بر اثر خودآگاهی و روحیه خودباوری مردم افغانستان به رهبری امان الله خان قیام توفنده ای در گرفت. در طی سه جنگ فراگیر و عسده ای یک رخ داد و رشادت های وطنداران میهن دوست اشغال گران و دشمنان دیرینه را با قدرت تمام شکست دادند. طومار استعماری بریتانیا برای همیشه تاریخ از صحنه سیاسی کشور درهم پیچید و درفش استقلال و عزت و سررندلی بر فراز قلعه های سر بلند فلک کشیده کشور به اهتزاز در آمد.

# صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تئودور و. آدورنو / ترجمه: فرهاد سلیمانیان / قسمت هشتم

در خدمت نوعی فریب رمانتیک مخاطب قرار می گیرد. آن نوع هنر جهان را چنان تغییر عنصر می دهد که هنوز کشمکش در آن ممکن است، و این گونه نیست که آن را جهانی جلوه دهد که در آن تولید فرایسر و آبرقدرتوار مادی، بیرون راندن امکان کشمکش هنری را همواره آشکارتر از پیش آغاز می کند. علت امر تفاوت بسیار ظریف در این مسئله است که آیا زودهن گره زیبایی شناسانه، بسط، اجرا و کشمکش در کار هنری به معنای انحلال آخرین ایستادگی است یا میانجی خسور همه جاگیر و پنهانی آن. در نمایشنامه های «هدا کابلر» [۵]، وقتی این زن با شلیک گلوله به زندگی خود پایان می دهد، براک، حقوقدان شورای دادگاه، می گوید: «آدم که نباید چنین کاری کند.»

اینجا بعد از چنین اظهار نظری، دیدگاه او حقیقتاً از آن خود می کند و با واقع بینی و عینیت ساده اش راز آمیزی فرد و کشمکش در آن وضعیت را می گیرد. شبیه این روند، حضور مطلق تکنولوژی نیز نقش خود را بر چیزها ثبت می کند و هر امر تاریخی را، رد رنج های گذشته را در انسان ها و اشیاء، مانند کلیشه پرداز، به تابو تبدیل می کند.

سرمونه ای چنین روندی زن بازیگری ست که در فیلم، پاکیزه و تازه-حمام رفته، با آرایش دقیق و مدل مویی بی-عیب و نقص به صحنه پا می گذارد، حتا هنگام بروز وحشتناک ترین خطرها، موقع وزش گردباد گرمسیری یا اسیر خشونت تاجران سفیدپوست دختران پترده، تلافی در کار نیست. برای صحنه های پیاپی آن قدر از نزدیک، دقیق و بی امان از او عکس و تصویر می گیرند که خیره کننده ای که آرایش اش باید پدید بیاید، بر آل تخیل گریزی و از بین بردن زمینه ای خال پرداز و مخاطب بیشتر می شود و تنها با همان آرایش بازیگر همچون سحری حقیقی و بی اغراق به جان تماشاگر می افتد.

به همین ترتیب، فرهنگ توده نوعی آرایش بی آرایش است. بیش از هر چیز دیگری از راه نگاهی هوشیار، جذب قلمرو غایت ها می شود و خود را با آن سازگار می کند. واقع بینی و عینیت نوینی که فرهنگ توده ادای آن را درمی آورد، در عرصه معماری شکل گرفته است. در همین محدوده ی مقاصد خود، فرهنگ توده از حقیقت زیبایی شناسانه ای امر هدفمند علیه وحشی گری و بی فرهنگی دفاع و آن حق را نمایندگی کرده است.

همان بی فرهنگی ای که جلوه گری امر بی هدف در فرهنگ توده با خود به ارمان می آورد. فرهنگ توده استاندارد سازی و تولید انبوه را به موضوع هنر تبدیل کرده و وضعی پیش می آورد که قطب مخالف آن، برخاسته از هر قاعده ای صوری و بیرون از خود، به تمسخر گرفته می شود. عرصه ی عمل هرچه بیشتر از جلوه گری زیبایی صرف نظر کند، زیباتر است. اما به محض این که واقعیت مند و عینیت از غایت ها جدا شود، درست به همان امر زینتی ای مسخ می شود که در آغاز کاربرد آن را همچون جنایتی محکوم کرده است. دقیقاً هر جا که سینما و رادیو گرفتار تگرهای فن سالارانه و روش های آرمان خواهانه می شوند، به همان سنخ معماری پیشرفته و خنثی شباهت می یابند. همان معماری پیشرفته، پیش از آن که با واقعیت جهان پیرامون به



از آغاز به نمایش می گذارد، روش های که فرهنگ توده از بطن آن ها عینیت را همچون سبکی آماده می کند. نسبت عینیت یا مادیت با موضوع عینی یا شیئی غیرعینی و غیرمادی است: این نسبت را محاسبه گری عین یا مخدوش می کند. کمال عرصه ای محصول فرهنگی و کمال شگردها ضمن بطلان ناگزیر «چیستی» روند پیشین، بالاترین بیان جایگاه محاسبه گری است. چیره دستی یک گروه چنان که مانند درنده ای در قفس به جان ریتم های هشت میزانی سازندگان آهنگ های پرطرفدار می افتد و خود را وقف آن ها می کند، تصویرهای هوشمندانه و مهارت های تنظیم دوربین که می توانست جلوه های ویژه ی جاندار در زمان های قرن نوزدهم را به دلخواه پدید

صلح برسد، هنگامی که ناصداقانه و البته پرشور با آن مبارزه می کرد. اگر موسیقی تولید انبوه و آهنگ سازی سریالی به سبک «تین پِن آلی» [۵] را با نوعی معماری مقایسه کنیم، نباید در چنین مشابهتی به مجموعه های مسکونی دنباله دار و تازه ساخت فکر کنیم، بلکه باید بیشتر همان خانه های تک خانوار نشینی را در نظر بگیریم که انگلستان قدیم و جدید از نمونه های آن لبریز بوده است: این ها همان محصول های انبوه و استاندارد شده ای هستند که دقیقاً بر این داعیه مهر استاندارد می زند که هر نوع خانهای باید جایگزین ناپذیر، تک و در اصل ویلایی مستقل باشد.

این استاندارد سازی به خودی خود نیست که امروزه چنان خانه هایی در قرن نوزدهم را مانند کلبه ای اشباح غیر طبیعی

چالش اساسی مطرح باشد؟ چرا در کشور ما با دارا بودن جوان ترین جمعیت، قابلیت جذب فقط یک ششم آنان را در مکاتب و موسسات عالی تحصیلی وجود دارد؟ و چرا این جوانان پس از فارغ التحصیل شدن سرگردان کشورهای بیگانه برای امرار معاش زندگی باشند؟ ..... اینجا است



که می توان گفت استقلال کشور ما باعث افتخار ماست ولی مستقل بودن آن هنوز که هنوز است به عنوان یک آرزو در ذهن شهروندان و مردم ما دست نیافتنی شده است. بنابراین اگر اصلاحاتی اساسی همانند آنچه امان الله خان آن را مطرح تصور نمایند؟ چرا مرزهای کشور هنوز از کنترل دقیق و قاطع حکومت برخوردار نیست؟ چرا کشور ما بعنوان یک نمره منفی در صدر کشورهای تولید کنندگان مواد معدنی قرار گیرد؟ چرا در جامعه ما حد متوسط طول عمر زنان و مردان آن فقط چهل و سه سال باشد؟ چرا در کشور ما از هر پنجاه کودک حدود شش تن آنان به امراض مختلف جان خود را از دست بدهند؟ چرا کشور ما در عصر تکنالوژی از بسیاری دست آوردهای تکنالوژی محروم بوده و هنوز مسئله برخورداری از برق یک

بیاورند، روش تلفیق فرکانس یا «پخش اف ام» (frequency modulation) که با وضوح متهورتانهای، برای نمونه، اجازدهی شنیدن قطعه ای «آوه ماریا» از شارل گونر [۵] را به مخاطب می دهد، همه و همه ای سوبه های تولید فرهنگی تنها نمایانگر شکاف میان لحنه های ناهمزمان بسط کار هنری در مرحله های مختلف آن نیستند، بلکه خود این ناهمزمانی از بدبهستان اجباری رویا و انگیزه مندی در فرهنگ توده سرچشمه می گیرد، درست مانند لباس های سنتی و رقص های ملی آلمان عصر جدید که نه علی رغم واقعیت وجود تانک ها یا جنگ، بلکه به خاطر خود ناسازگار است. پیوسته به عصرها عینیت و واقعیت مند و واقعیت مند خود ناسازگار است. پیوسته به عصرها عینیت و واقعیت مند و واقعیت مند که مقصود آن ها از آشکارگی و عرضه عینی سرس باز می زند، در حالی که هم پیوندی خود را با عرصه ی عملی غالب و وام گیری و کاربرد روش های صنعتی



مادی آن ها سازگار می کنند. آن نیازها درست تابعی از همان استانداردهای یکدست در بطن فرهنگ توده هستند، بنا بر این و این و این و این خواهد بود اگر جویانی بخواهد از این فرایند، از پیش شرط تکنیکی برای ایجاد گرایش واقع بینانه از دید فرهنگ توده سرس باز بزند. مدل خودروی مورد و مدل آهنگ های پرطرفدار سکه های ضرابخانه های واحد هستند. اما در اندیشه ی چنین انطباقی، پیشاپیش همان دستکاری نیازهای انسان از سوی قدرتمندان تولید پذیرفته شده است. این همان جوی است که مقاومت در برابر دستبردهای آن نه تنها دغدغه، بلکه گرایش ناگزیر ذهنی می شود که مجبور شده خود را با تبعیت نیازهای فکری از نیازهای مادی سازگار کند. .... ادامه دارد

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.  
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.  
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.  
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دربی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.  
www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کارگزاران: خالق علی زاده  
دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: مهدی صالحی  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فلز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲